

نگاهی به تفسیر نسیء به مدد تقویم شناسی

محبوبه موسائی پور^۱

قاسم صادق پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴، صفحه ۱۳۸ تا ۱۵۷ (مقاله پژوهشی)

چکیده

درک معنا و پیام قویم آیات قرآن منوط به فهم واژگان و مصطلحات بکار رفته در آن است. یکی از این اصطلاحات که ناظر بر سنتی جاهلی است؛ نسیء است که قرآن آن را باطل اعلام نموده است. مروری بر منابع تفسیری و لغت نشان می‌دهد؛ حقیقت و فرایند این مفهوم برای قرآن پژوهان مسلمان در ابهامات بسیاری قرار دارد. این پژوهش با هدف جبران این خلأ مطالعاتی، با تکیه بر دانش تقویم شناسی و به روش توصیفی تحلیلی سعی بر کشف زاویایی پنهان از این سنت منسوخ جاهلی دارد. بدین منظور ضمن بررسی-های تفسیری- لغوی با تحقیق در سابقه یادگیری و استفاده از تقویم در بین اعراب عصر نزول، کیسه گیری را خاطر نشان کرده‌ایم و با محاسبه و جدول نشان داده‌ایم که آنان چگونه و بنا بر چه اهدافی از «تقویم شمسی قمری» استفاده می‌کردند که گاه منجر به سیزده ماهه شدن سال و جابه‌جایی حج و دیگر ماه‌های حرام می‌شد به گونه‌ای که درازای هر سی و سه سال، دو یا سه سال ذی‌الحجه دوباره به جای خود برمی‌گشت. همچنین کوشیده‌ایم دلیل تحریم قرآن را با توجه به اهداف و تبعات این سنت، تحلیل کنیم. **کلیدواژه‌ها:** قرآن، نسیء، تقویم‌های سه‌گانه، شمسی قمری، کیسه‌گیری، حج، هجری قمری.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

m.mousaeipour@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، ایران: sadeghpoorb@gmail.com

درآمد

نزول قرآن در شبه جزیره عربستان در یک موقعیت زمانی و مکانی ویژه، اقتضاء کاربست واژگان و مصطلحات خاص، مطابق عرف و سنت آن زمان و مکان را داشته است. به دلیل بعد زمانی، کاملاً طبیعی است که برخی از سنن جاهلی که برای مخاطبان اولیه قرآن مألوف و آشنا بوده است؛ امروزه برای ما در ابهامات بسیار و تنگناهای تفسیری بزرگی قرارگیرد. دلیل اصلی این ابهام نیز نسخ و ابطال آن سنن و نبود گزارش‌های مبسوط و مستدل تاریخی در کم و کیف آنهاست. اما کشف حقیقت و جزئیات آن سنن، درگام اول برای فهم مجموعه قرآن و در مرحله دوم برای دستیابی به حقیقت آیات منظور تأثیر بسزائی دارد. یکی از این اصطلاحات، نسیء و کیفیت منجر به کفرآمیز شدن آن از دیدگاه قرآن است که در آیه ۳۷ سوره توبه (پس از تاکید خداوند بر دوازده ماهه بودن سال در آیه ۳۶) به آن اشاره شده است:

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ * إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُجَلُّونَهُ عَمَامًا وَإِنْ حَرَّمَ اللَّهُ فَيْحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱

(توبه ۳۶ و ۳۷). تامل در آیات نشان می‌دهد؛ پدیده نسیء، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ عمومی اعراب عصر نزول داشته و با ماه‌های دوازده‌گانه مرتبط بوده است که ضرورت توجه بیشتر در ماهیت و کیفیت این مساله اجتماعی مرسوم در آن زمان را مشخص می‌کند. اضافه بر آن ممکن است در گردش تاریخ و ملل، این سنن دگر باره احیاء گشته و ما برای رفع و پاسخ بدانها نیازمند به مناظ و ملاک‌های قرآنی باشیم. از این روی، کشف حقیقت ابهامات و ریز جزئیات این سنت نسخ شده جاهلی از این جنبه نیز، از اهمیت زیادی برخوردار است.

۱ همانا عدد ماههای سال نزد خدا در کتاب دوازده ماه است. از آن روزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن دوازده، چهار ماه ماههای حرام خواهد بود. این است دستور دین استوار و محکم پس در آن ماهها ظلم و ستم در حق خود و یکدیگر مکنید... جز این نیست که جایجا کردن [ماههای حرام] ، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می‌شوند آن را یک سال حلال می‌شمارند و یک سال [دیگر]، آن را حرام می‌دانند، تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند. زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

طرح مسأله

یکی از مسائل مهم در قرآن، وجود اصطلاحات و واژگانی است که فهم و کشف لایه‌های معنایی آنها و نیز دریافت اهداف هدایتی قرآن از بیانشان، نه غیر ممکن بلکه دشوار است؛ چرا که در ظرف زمان صدور خود و در جاهلیت مرسوم و معمول بوده‌اند و درک وجه اشتراکشان برای مخاطبان بعدی قرآن که از زمان وضع این واژگان دور افتاده‌اند؛ مبهم می‌نماید. یکی از این مفاهیم و واژگان، نسیء است که قرآن به کاربرست و استعمال آن در میان عرب عصر نزول اشاره کرده است و آن را مذموم اعلام کرده و وحی الاهی را به بیان کفرآلود بودن آن اختصاص داده است. بحث چبستی و کیفیت نسیء در بین اعراب و ارتباط آن با ماههای دوازده گانه که در سیاق آیه مربوط، به آن اشاره شده است و تأمل در جنبه‌هایی از این مفهوم که منجر به کفرآمیز بودن و تحریم آن شده است؛ موضوعی میان رشته‌ای (تفسیر، تاریخ و تقویم شناسی) است که با روش مطالعه توصیفی تحلیلی در کتب مربوط و با تکیه بر مباحث تقویم شناسی، باید بررسی و عرضه شود؛ این موضوع از این جهت که در تفاسیر نیز، اختلاف دیدگاه بین مفسرین وجود داشته و مطالب بیان شده بعضاً مختصر است؛ با سوالات اصلی زیر روبه رو است: ۱- نسیء چگونه اتفاق می‌افتاد و ارتباط بین آن با ماههای دوازده گانه که در دو آیه متوالی از سوره توبه آمده، چیست؟ ۲- چگونگی نسیء زیادتی در کفر بوده؛ به عبارت دیگر چرا کفرآمیز تلقی شده است؟ به جز تفاسیر، مقالات اندکی در این موضوع وجود دارد که بیشتر به آراء مفسران پرداخته اند که می‌توان به مقاله "نسیء و حرمت آن در اسلام" توسط ابوالفضل نبئی در نشریه جستارهای نوین ادبی سال ۱۳۵۷ شماره ۵۳ و مقاله "بحثی درباره نسیء و رابطه آن با حج" توسط یعقوب جعفری، نشر یافته در نشریه میقات حج سال ۱۳۷۲ شماره ۳ اشاره کرد؛ نویسندگان در این مقالات به ذکر اقوال مفسران و بررسی نظرات متفاوت آنها پرداخته اند. اما در حوزه تحلیل و کیفیت نسیء تنها یک مقاله با عنوان "درباره نسیء" از محمد حسین میرصادقی در نشریه مقالات و بررسیها به سال ۱۳۸۴ دفتر ۷۷، یافت شد که بیشتر به جایگاه نسیء در میان تازیان و پیامهای نادرستی که داشت پرداخته و گزارش‌های تاریخی در مورد حج و سفرهای تازیان را ذکر کرده اما همچنان نگاه مبسوطی به نحوه نسیء نداشته است. در حوزه کتب نیز دو کتاب در این موضوع نوشته شده که یکی کتاب "نسیء و کیسه"، پژوهشی در بازشناسی نسیء و ماههای حرام در گاهشماری‌ها و تفاسیر است که زیر نظر سید حسن خمینی و به تألیف رشید داودی توسط انتشارات اطلاعات در سال ۱۳۸۹ با هدف پرداختن به مسأله تبدیل و تطابق تاریخها و تاثیر آنها در فهم متن روایات و صحت سنجی داده‌های

تاریخی آنها از جمله شرح مبسوط نسیء منتشر شده است و دیگری کتاب "بررسی نسیء در قرآن و گاه شماری" نوشته محمد علی قربانی در سال ۱۳۹۳ است که به نظر می‌رسد با تاکید بر مباحث کتاب پیشین نگاه شده است. تفاوت این نوشتار با نگاه‌های پیشین در پرداختن به کیفیت نسیء و نحوه محاسبات بر مبنای تقویم شناسی است به گونه ای که بدون پرداختن به جزئیات طولانی و بعضاً بسیار تخصصی در حوزه نجوم، برای عموم مخاطبین فرهیخته قابل فهم بوده و از مدار حوصله خارج نباشد؛ ضمن اینکه تحلیلی از زوایای مختلف راجع به چرایی کفرآمیز بودن آن نیز ارائه شود؛ بنابراین ما در این تحقیق برآنیم تا ضمن تبیین معنای لغوی نسیء و ارتباط آن با ماه‌های دوازده‌گانه و مباحث تقویم شناسی و تقویم رایج در عصر جاهلیت، پدیده نسیء و کیفیت آن را که منجر به تکفیر آن از سوی قرآن شده را با مستندات تاریخی، تفسیری مورد ارزیابی و واکاوی قرار دهیم.

معنای لغوی نسیء

عموم کتب لغت، ماده اصلی این واژه را از نسأ و معنای اصلی آن را به تاخیر انداختن چیزی از وقتش دانسته و نسیء در آیه را به معنی تاخیر بعضی ماههای حرام توسط عرب بر شمرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۱/۴۱۴؛ فراهیدی، ۱۳۶۸ش، ۷/۳۰۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۱۲/۹۲؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۲/۱۱۰۵)؛ راغب و ابن منظور نیز ریشه آن را از النسء به معنی تاخیر در وقت می‌دانند (راغب، ۱۴۳۰ق، ۵۱۱/ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۶۷)، برخی لغویون علاوه بر معنی تاخیر، معنی کنار گذاشتن، اهمال و بی‌اعتنایی را نیز ذکر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۳۶۸ش، ۷/۳۰۶؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ۷/۵۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۱/۴۱۵)

نسیء در تفاسیر

عموم تفاسیر مختلف شیعه و سنی نیز، ضمن لغت شناسی و بیان معنی لغوی به همان معنای تأخیر انداختن، در تبیین نسیء به عادت مرسوم عرب جاهلی در جا به جا کردن و تأخیر ماههای حرام و تغییر دادن جای ماههای حرام، اشاره کرده و بیان کرده‌اند که مشرکان، حرمت ماهی نظیر محرم را به خصوص، به ماهی که حرمت نداشت همانند صفر به تأخیر می‌انداختند چرا که دست کشیدن از جنگ و غارتگری در سه ماه متوالی بسیار برایشان سخت و طاقت فرسا بود، اما توضیح بیشتری راجع به این عادت و شیوه مرسوم نمی‌دهند (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱/۲۹۰؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ۵/۲۱۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۳/۱۶۵؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۰/۱۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۱۷؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴ق، ۲/۴۶؛ زمخشری، بی تا، ۲/۲۷۰)

برخی مفسرین علاوه بر بیان مطالب قبل، روایاتی ذکر می‌کنند که در این روایات تبیین و وجه بیشتری از این عادت مرسوم وجود دارد مثلاً اینکه آنها این جا به جایی را جز در ذی حجه انجام نمی‌دادند یا اینکه مشرکان چنان بودند که هر دو سال در یک ماه حج بجا می‌آوردند، دو سال در ماه ذی حجه، و دو سال در محرم و دو سال در صفر و همچنین در ماههای دیگر، تا سال قبل از حجه الوداع که حج آنها در ماه ذی قعدة انجام شد یا در یک سال ماهی را حلال می‌شمردند و سال دیگر همان ماه را تحریم می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۵۲/۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۵/۱۶؛ سیوطی، ۱۴۲۳ق، ۱۸۸/۴؛ مکارم و همکاران، ۱۳۷۴ش، ۷/۷۰). برخی مفسرین نیز ضمن بیان همه اقوال، اشاراتی به مفهوم کیسه‌گیری کرده اما شرح واضح و مبسوطی بر چگونگی آن ارائه نداده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۵/۱۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ۲۰۵/۱۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۶/۸؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ۲۱۵/۶؛ سائیس، ۱۴۲۳ق، ۴۵۱) و برخی چون ابن عاشور به کیسه‌گیری در جاهلیت اشاره کرده است اما نه ذیل این آیه (ابن عاشور، بی تا، ۷، ۳۹۲) طباطبایی نیز بعد از بیان و تأیید نظرات مختلف تفسیری و تاریخی در این موضوع معتقد است اینکه بعضی گفته‌اند؛ نسیء این بوده که زیارت حج را از ماهی به ماهی دیگر می‌انداخته‌اند صحیح نیست، زیرا به هیچ وجه بر لفظ آیه شریفه انطباق ندارد و در بحث روایتی نیز این نظر را مردود اعلام می‌دارد و بر این نظر است که از کلمه نسیء این مقدار استفاده می‌شود که حرمت یکی از این ماهها را به ماهی دیگر غیر از ماههای حرام داده، حرمت خود آن ماه را تاخیر می‌انداختند، نه اینکه بکلی ابطال نموده ماه مورد نظرشان را حلال کنند؛ چون می‌خواستند هم ضرورت خود را رفع نموده و هم سنت قومی خود را که از پیشینیان خود از ابراهیم به ارث برده بودند حفظ کنند؛ گاهی این تأخیر تنها برای یک سال بود و گاهی برای بیش از یک سال، و آن گاه بعد از تمام شدن مدت تأخیر دوباره ماههای حرام را طبق سنت ابراهیم حرام می‌نمودند. (طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ۹/۳۶۲) و در نهایت می‌نویسد: "و بعید نیست که بگوئیم اعراب جاهلیت در کار نسیء روش واحدی نداشته‌اند و هر گروهی برای خود، سلیقه‌ای بکار می‌برد؛ چون قبیله‌های مختلف و عشایر متفرقی بودند" (همان، ۳۷۰) این تتبع نشان می‌دهد که بین مفسرین دو دیدگاه عمده در مورد تفسیر نسیء وجود دارد: دیدگاه اول: تأخیر حکم تحریمی یک ماه به ماه دیگر (یعنی به جای اینکه در محرم جنگ حرام باشد، این حرمت جنگ را به ماه صفر تأخیر می‌انداختند و سال بعد دوباره برمی‌گردانند به محرم و این حکم را جابجا می‌کردند). دیدگاه دوم: «نسیء» در مورد حج است یعنی زیارت حج را از ماهی به ماهی دیگر انداخته و جا به جا می‌کردند. در این میان برخی چون فخر رازی ضمن بیان دو دیدگاه به مفهوم کیسه نیز اشاره

داشته‌اند اما شرح واضحی ارائه نداده‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر با عنایت به مباحث تقویم شناسی، به تبیین مفهوم و کیفیت کیسه در بین اعراب و با توجه به اصل اصولی استعمال لفظ در اکثر من معنا جایز، به رویکرد متفاوت و تحلیل بیشتری در تفسیر نسیء می‌پردازد و زوایای کمتر بیان شده از علت تحریم را با عنایت به این رویکرد تقدیم می‌نماید.

چیستی تقویم و پیدایش تقویم های سه گانه

تقویم، مصدر تفعیل از ماده «ق و م» در لغت به معانی زیر آمده است؛ چنان که در قَوْمْتُهُ تَقْوِيمًا فَتَقْوَمَ، بِمَعْنَى عَدَلْتُهُ فَتَعْدَلُ ذکر شده است (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ۳/۵۷۰). در جای دیگر دارد: و من ذلك التقويم: أى تعيين القيمة للشيء به معنای ارزیابی کردن متاع و بیان قیمت آن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ۳۴۲/۹) تَقْوِيمُ الشَّيْءِ: پرداختن و استوار داشتن آن چیز. (راغب، ۱۴۳۰ اق، ۲۷۴). تقویم در فارسی نیز به معنای تعدیل کردن، قایم کردن چیزی، از بین بردن کجی نیزه و قیمت کردن چیزی به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ۵/۶۸۹) در قرآن از ماده «ق و م» به باب تفعیل فقط همین کلمه تقویم و یک بار آمده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴) که معنای لغوی آن، به معنی چیزی را تعدیل کردن و آراستن و یا درآوردن چیزی به صورت مناسب و نظام معتدل و شایسته، مراد است. لذا معنای آیه چنین می‌شود: مسلماً ما انسان را در بهترین شکل و نظام آفریدیم.» (مکارم و همکاران، ۱۳۷۴ ش، ۲۷/۱۴۴). تقویم در اصطلاح، سیستمی است که انسان برای محاسبه و اندازه‌گیری زمان اختراع کرد؛ به عبارت دیگر: تقویم مجموعه‌ای از اصول و قوانین است که برای تقسیم و تنظیم زمان (سال، ماه، هفته و روز) بر اساس گردش زمین به دور خورشید و یا گردش ماه به دور زمین و گردش زمین به دور خود تنظیم و تدوین شد (فاسملو، ۱۳۹۱ ش، ۸۵۲؛ جعفری‌مذهب و همکاران، ۱۳۹۱ ش، ۱۵) که شامل سه گونه: ۱- سال شمسی ۲- سال قمری و ۳- سال شمسی قمری می‌شود. به نظر می‌رسد که ابتدایی‌ترین این تقویم‌ها، تقویم شمسی قمری بوده که در میان بابلیان دایر بود و با گردش قمر، ماه را محاسبه می‌کردند و با گردش زمین سال را مقایسه می‌کردند اما از آنجا که بین گردش ماه و خورشید اختلاف وجود دارد؛ (جعفری‌مذهب و همکاران، ۱۳۹۱ ش، ۱۷) در ادامه با گسترش علم نجوم و ریاضیات و اختلاف کسری شمسی و قمری و ثابت نبودن این مقدار به طور دقیق، تقویم قمری و شمسی جداگانه‌ای نیز تنظیم شد.

مفهوم کیسه گیری و کیفیت محاسبه کیسه در میان اعراب عصر نزول

به خاطر هماهنگی تقویم‌های سه‌گانه (شمسی، قمری و شمسی قمری) متداول در جوامع مختلف با تقویم قمری حقیقی و تقویم شمسی حقیقی و لحاظ اختلاف کسری که بین گردش ماه و

خورشید وجود دارد؛ باید زمانی را تعدیل کرد و این را در اصطلاح «کیسه‌گیری» گویند؛ کیسه‌گیری در تقویم‌ها و در ملل مختلف متفاوت است؛ اعراب قبل از اسلام نیز با بسیاری از ثوابت و ستارگان و محل طلوع و غروب آنها آشنا بودند و برای آنها شکلها و صورتهایی قرار می‌دادند که با روش اقوام دیگر تفاوت داشت؛ همچنین سیارات و منازل قمر را می‌شناختند و در به کار بردن این منازل بر سایر اقوام امتیاز داشتند؛ ولی چون از ریاضیات به روش علمی و خصوصاً از هندسه آگاهی نداشتند و به علوم دیگر هم بی‌اعتنا بودند، نمی‌توانستند سالها را به حساب درست و دقیق تعیین کنند (قرچانلو، ۱۳۸۰ش، ۱/ ۴۴) اما عمل کیسه‌گیری را دویست سال قبل از اسلام از یهودیان آموخته بودند (بیرونی، ۱۳۸۶ش، ۱/ ۱۲۹؛ جوادعلی، ۱۹۷۶ق، ۸/ ۵۰۹) و آن را انجام می‌دادند (مسعودی، ۱۴۲۵ق، ۲/ ۱۵۸).

کیسه‌گیری تقویم شمسی قمری

در این نوع تقویم، سال را از مسیر آفتاب و ماه را از مسیر ماه می‌گیرند چون تشخیص ماه‌ها از طریق ماه آسان است و در هر دوازده ماه قمری تقریباً یازده روز (ده روز و بیست ساعت) از سال شمسی کم‌تر است، برای ثابت نگه‌داشتن سال قمری همراه با مسیر آفتاب، سال‌های کیسه‌سیزده ماهه مقرر داشتند. پس سال‌های عادی ۱۲ ماهه و سال‌های کیسه‌را ۱۳ ماهه گرفتند. چون تقریباً هر سه {یا دو} سال یک ماه اضافه می‌شود، برای ترتیب ماه‌های قمری در سال‌های شمسی، ادواری ذکر کرده‌اند که آسان‌تر از همه، دوره نوزده تایی است و سال‌های کیسه‌این دوره ۱۹ ساله به قرار زیر است:

۱۹ ۱۷ ۱۴ ۱۱ ۸ ۶ ۳

لازم به ذکر است که این نوع تقویم در بین یهودیان کاربرد داشته و هم چنین با چیرگی مغولان بر ایران این تقویم که سال آن شمسی و ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ روزه و دارای یک دوره ۱۲ ساله حیوانی است، در ایران رایج شد. (جعفری‌مذهب، ۱۳۹۱ش/ ۲۲) امروزه این تقویم به صورت رسمی دایر نیست ولی در تقویم‌های نجومی نوشته می‌شود. اعراب نیز به تبعیت از یهود اینگونه عمل می‌کردند با این تفاوت که یهودیان از هر نوزده سال قمری، هفت ماه قمری را کیسه‌می‌کردند، تا اینکه نوزده سال قمری آنان به صورت نوزده سال شمسی در آید اما اعراب، دوازده ماه قمری را کیسه‌می‌نمودند (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶/ ۶۸). توضیح آنکه در تقویم قمری چرخه ماهها در میان فصول، هر ۳۳ سال یک بار می‌چرخد و زمان ماههایی همچون ذی حجه هر سال ۱۱ روز

نگاهی به تفسیر نسیء به مدد تقویم شناسی

زودتر از سال پیش آغاز می‌شود؛ به طور مشخص، طول سال شمسی و سال قمری بنا بر نقل علامه حسن زاده آملی از «زیج بهادری» که دقیق‌ترین زیج‌ها^۱ است، به مقدار ذیل است:

طول سال شمسی:

۳۶۵ روز ۵ ساعت ۴۸ دقیقه ۴۶ ثانیه ۶ ثالثه ۱۰ رابعه

طول سال قمری:

۳۵۴ روز ۸ ساعت ۴۸ دقیقه ۳۶ ثانیه ۳۷ ثالثه ۵۵ رابعه ۱۲ خامسه

بنابراین تفاوت دو سال:

۱۰ روز ۲۱ ساعت ۰ دقیقه ۹ ثانیه ۲۸ ثالثه ۱۴ رابعه ۴۸ خامسه

(حسن زاده آملی، ۱۴۱۶، درس ۷۵، ص ۵۳۲)

به این ترتیب، مقدار روزهای اضافی در ۳۳ سال به شرح ذیل بدست می‌آید:

۴/۹۵ دقیقه ۶۹۳ ساعت ۳۳۰ روز = ۹ ثانیه ۰ دقیقه ۲۱ ساعت ۱۰ روز * ۳۳

ماه ۱۲ = ۳۵۸/۸۷ = ۲۸/۸۷ روز + ۳۳۰ روز

و برای تطبیق سال قمری با سال شمسی، باید تقریباً یک سال قمری اضافه کرد؛ یعنی دوازده ماه اختلافی بین سال قمری و سال شمسی را در بین دوره سی و سه سال تقسیم می‌کردند. بدین ترتیب، سالهای کیسه دوره ۳۳ ساله به قرار زیر است:

۳۳ ۲۷ ۲۵ ۲۲ ۱۹ ۱۷ ۱۴ ۱۱ ۸ ۶ ۳

کیفیت محاسبه کیسه‌گیری تقویم شمسی قمری در دوره ۳۳ ساله به صورت تقریبی در جدولی که پیوست می‌باشد؛ ارائه شده است. این محاسبه به طور دقیق انجام نمی‌شد (صیاد، ۱۳۷۵ش، ۱۱۶) بلکه به صورت تقریبی، هر سه سال و گاهی هر دو سال، ماه سیزدهمی به سال دوازده ماهه اضافه می‌کردند که منجر به جا به جا شدن ماهها از جمله ماههای حرام و ذی حجه و عمل عبادی حج می‌شد و این جا به جایی در یک دوره سی و سه ساله آنگونه که در جدول پیداست ادامه داشت تا دوباره در سال سی و چهارم، ذی حجه دو یا سه سال به جای خودش برمی‌گشت. از کیفیت کیسه‌گیری در تقویم شمسی و در تقویم قمری و محاسبات مربوط به آن چون محوریتی در مباحث مقاله ندارد؛ صرف نظر شده است.

از زیجها از مهم‌ترین دستاوردهای نجوم محاسباتی در هر مکتب نجومی، از جمله نجوم دوره اسلامی، به شمار می‌آیند و زیج مجموعه کتابهایی مشتمل بر جدولهای عددی، روشهای نجوم محاسباتی، توابع هیئت و داده‌های متعدد ریاضی و مباحثی در احکام نجوم است.

توجه قرآن به تقویم و اندازه‌گیری زمان

آیات زیادی در قرآن وجود دارد که توجه و اهتمام انسان را به وقت شناسی با استفاده از پدیده‌های طبیعی جلب می‌کند. مردم از پیامبر (ص) در باره تغییرات ماه سؤال می‌کردند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَآيَسَ الْبِرِّ بَأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنْ آتَقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره، ۱۸۹)؛ مواقیت جمع میقات به معنای زمان معین برای عمل است و «أهله» جمع هلال به صورت جمع آمده تا سؤال از سبب یا فایده هلال‌ها باشد. خداوند در جواب می‌فرماید: ماه برای تعیین زمان و اوقاتی است تا مردم برای امور معاش و معاد خود تعیین کنند. دلیل این که آیه، ماه‌های قمری را نام برده چون طلوع و غروب ماه را هر انسان دارای ادراک صحیح می‌فهمد. آن را در هر سال، دوازده بار مشاهده می‌کند؛ به خلاف خورشید که برج‌هایش دیدنی نیست و حتی امروزه نیز بدون لوازم نمی‌توان آن را درک کرد. بنابراین با ماه‌های قمری، مردم امور دین و دنیای خود را تعیین می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۸۳ ش، ۸۱/۲ و ۸۰). این آیه مسلمانان را تشویق و تحریک به تقویم‌نگاری می‌کند.

همچنین در آیه: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا فُضُلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصْلَانًا تَفْصِيلًا»^۱ (اسراء، ۱۲) خداوند متعاقب بودن شب و روز را دو آیه و نشانه‌ای از آیات خویش قرار داده که به طور طبیعی بر یکتایی خداوند در ربوبیت دلالت می‌کند؛ منظور از محو کردن شب، تاریک کردن و پنهان کردن آن از چشم‌ها است و روز را هم برای بدست آوردن رزق قرار داد. هم چنین بیان می‌دارد که با گردش شب و روز سال‌ها را محاسبه کنید و بدین وسیله حساب وقت‌ها و مواعدها را بدانید. (طباطبایی، ۱۳۸۳ ش، ۷۰/۱۳ - ۶۸). در آیاتی دیگر، نقش اساسی ماه و خورشید در تقویم و شناسایی زمان را مورد توجه قرار داده که به واسطه حرکت منظم و دقیق آن‌هاست که روز، ماه و سال مشخص می‌شوند: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (الرحمن، ۵) این آیه به عقیده برخی از مفسران، به گردش خورشید در مدارش در طول یک سال و گردش ماه در مدار خود در یک ماه اشاره دارد

۱ او شب و روز را دو نشانه قرار دادیم نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا [در آن]

فضلی از پروردگارتان بجوید و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز

نمودیم

خورشید و ماه بر حسابی [روان] اند.

(بیضاوی، ۱۴۱۶ق، ۴۳۳/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۵۰/۲) همچنین آیات «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» (المرسلات: ۲۵) و «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (الرحمن: ۱۷) بنا بر نظر برخی اندیشمندان تعبیر دو مشرق و دو مغرب و نیز واژه کفات که به معنای دوران سریع زمین است اشاره به گردش به دور خورشید دارد (عدنان شریف، ۱۹۹۳م، ۱۰۱/۱ - ۱۰۲). در جای دیگر به صورت واضح و شفاف بیان می‌دارد خورشید و ماه برای اندازه‌گیری زمان باید مورد استفاده قرار گیرد: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ»^۳ (یس، ۳۹ و ۳۸) آیه اول دلالت دارد که خورشید حرکت دارد؛ حرکت به طرف قرار گرفتن خود یا حرکت در کل منظومه شمسی و در آیه بعد: منازل جمع منزل، اسم مکان از نزول، به معنای محل پیاده شدن و منزل کردن است. کلمه «عرجون» به معنای ساقه شاخه خرماست و «قدیم» یعنی چند سال بر آن گذشته است. لذا ماه (قمر) در طول یک ماه، به صور مختلف دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ۱۷/۱۳۳ - ۱۳۰). از تعبیر «تقدیر» و «قدرناه» در می‌یابیم که یکی از فواید خورشید و ماه اندازه‌گیری زمان و داشتن تاریخ بر اساس هر کدام از آنها است و کار هیچ‌یک کمترین تداخلی با کار دیگری ندارد: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (یس، ۴۰) و این امر چیزی جز تدبیر الهی برای خورشید و ماه نیست.

بنابراین می‌توان گفت؛ قرآن با ذکر این آیات، توجه ضمنی بر تقویم قمری و تقویم شمسی دارد و در مواردی حتی به تطبیق و (نه ترکیب) دو تقویم شمسی و قمری اشاره کرده است: «وَلْيُبَيِّنُوا لِي كَهِفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تَسْعًا» (کهف، ۲۵) «اصحاب کهف در غار ۳۰۰ سال و نه سال بیش‌تر درنگ کردند». طبق محاسباتی که از حسن زاده آملی در صفحات قبل ذکر شد؛ اگر تفاوت سال شمسی و قمری را که حدود ۱۰ روز و ۲۱ ساعت است (حسن‌زاده آملی، ۱۴۱۶، درس ۷۵، ص ۵۳۲)؛ در ۳۰۰ سال شمسی ضرب کنیم؛ نتیجه جالب زیر حاصل می‌شود:

$$\begin{aligned}
 & 6300 \text{ ساعت} \quad 3000 \text{ روز} = 21 \text{ ساعت} \quad 10 \text{ روز} * 300 \text{ سال} \\
 & 3262,5 \text{ روز} = 262,5 \text{ روز} + 3000 \text{ روز} = 18 \text{ ساعت} \quad 17 \text{ روز} \quad 2 \text{ ماه} \quad 9 \text{ سال} = \\
 & \quad \quad \quad \underline{3262,5} \\
 & = 9,216 \text{ سال} = 354
 \end{aligned}$$

۱ مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم.

۲ پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر.

۳ و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است تقدیر آن عزیز دانا این است/ و برای ماه منزهایی معین کرده ایم تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد

و ۳۰۰ سال شمسی برابر با ۳۰۹ سال و ۲ ماه و ۱۷ روز و ۱۸ ساعت قمری به دست می‌آید.

تقویم مورد تأیید قرآن و تحلیلی بر آیات منظور

همان طور که گذشت ابتدایی‌ترین تقویم، تقویم شمسی قمری است. چون بدست آوردن ماه از کره ماه و بدست آوردن سال از زمین در یک دور حرکت و بازگشت به نقطه اولیه، محسوس و راحت بود؛ عرب جاهلیت نیز قبل از ظهور اسلام در جزیره‌العرب به این تقویم گرایش پیدا کرد (بیرونی، ۱۳۶۲ش/۲۳۵؛ جوادعلی، ۱۹۷۶ق، ۵۰۹/۸) وقتی پیامبر (ص) به رسالت مبعوث شد، ماه-های قمری را ملاک قرار دادند و هم چنین دوازده ماه از همین ماه را یک سال حساب می‌کردند و دیگر با خورشید حساب نمی‌کردند، تا مجبور شوند در هر دو یا سه سال، یک ماه سیزدهمی هم به سال اضافه کنند. (صیاد، ۱۳۸۲ش/۲۸)؛ البته اسامی ماه‌ها و ایام هفته بر اساس قبل بود و ابتدا هر سال بعثت را به اسمی می‌نامیدند و مبدأ سال را از بعثت پیامبر (ص) قرار دادند؛ تا این که هجرت آن حضرت از مکه به مدینه اتفاق افتاد. چون هجرت نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود، مبدأ تاریخ واقع شد (زمانی قمشه ای، ۱۳۸۷ش، ۳۹۲/۴) براساس روایتی منسوب به رسول اکرم (ص)، آن حضرت در هنگام ورود به مدینه دستور وضع گاه‌شماری هجری قمری با مبدأ همان زمان، یعنی ابتدای ربیع الاول، را صادر کردند. (طبری، ۱۸۷۹م، ۱۱۰/۲) با توجه به آیه ۳۶ سوره توبه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» نیز در می‌یابیم که تقویمی که در آن، سال، دوازده ماه محاسبه شود، مورد تأیید است و از عبارت «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» بدست می‌آید که این تقویم قمری است چون ماه‌های چهارگانه حرام در سال قمری است.

از طرفی با استناد به آیات دیگر (که در مبحث قبل گذشت) بدست آمد که می‌توان از گردش زمین به دور خورشید نیز سال را اندازه‌گیری کرد یعنی تقویم شمسی نیز مورد تأیید قرآن است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، آنچه در آیه نسیء (۳۷/توبه) مورد مذمت قرآن است، تقویم شمسی قمری است که در آن، سال، سیزده ماهه بکار می‌رود و طبق آنچه پیشتر گفته شد و منابع تاریخی و تفسیری (رک صفحات ۵ و ۸) نیز به آن اشاره کرده‌اند؛ با روش کیسه‌گیری اعراب، تطبیق دارد.

حال اگر کسی بگوید عبارت «یحلونه عاماً و یحرمونه عاماً»، در آیه ۳۷ توبه، قرینه روشنی است که «نسیء» در آیه، اشاره به نسیء در ماه‌ها دارد یعنی اعراب به ذی قعدة می‌گفتند ذی حجه یا شوال را ذی حجه نام می‌نهادند و این متوقف بر این نیست که دوازده ماه را سیزده ماه بگیرند؛ در پاسخ باید گفت واژه «النسیء» در آیه، مطلق آمده و می‌تواند شامل هر نوع نسیء باشد چه نسیء

در ماههای حرام و چه نسیء در حج و این نظر با تکیه بر اصل اصولی که استعمال لفظ در معانی متعدد جایز است (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ۵۰)؛ نیز تقویت می‌شود؛ بنابراین عبارت «يَحْلُوْنَه عَامَا و يَحْرَمُوْنَه عَامَا»، نمی‌تواند مانع از اطلاق باشد؛ ضمن آنکه کیسه گیری و نسیء در حج، نسیء در شهور یعنی تاخیر حرمت ماههای حرام از یک ماه به ماه دیگر را هم به نوعی شامل می‌شد و جای آن‌ها را تغییر می‌داد. افزون بر این موارد، سوره توبه که به سنت نسیء اشاره دارد به لحاظ روایات ترتیب نزول، صد و سیزده یا صد و چهاردهمین سوره ای است (معرفت، ۱۳۸۷ش، ۱/۱۳۹؛ سیوطی، ۱۲۹۴ق، ۹۶/۱) که در سال نهم هجرت قبل از حجه الوداع سال دهم، بر پیامبر نازل شد (مسعودی، ۱۴۲۵ق، ۱۵۸/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۵/۵) بدین قرار، بسیار بعید و دور از ذهن است که تا آن سال‌ها و دست کم بعد از فتح مکه، اعراب همچنان درگیر غارت و حمله‌های دوران جاهلیت به قبایل همسایه خود بوده باشند تا نسیء را به معنای جا به جا کردن ماههای حرام برای این منظور بدانیم چرا که جملاتی چون عدم هدایت خداوند برای کافران (وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِيْنَ) یا همچنان گمراه شدن کافران با آن سنت (يُضَلُّ بِهٖ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا) معنای ضمنی در ادامه داشتن و برقرار بودن آن سنت در زمان نزول آیه دارد که با سنت کیسه گیری به قصد تغییر ماه حج تناسب بیشتری دارد. از طرف دیگر توجه به بافت و سیاق آیات قبل از آیه نسیء (آیه ۳۷/توبه) نشان می‌دهد که بیشترین موضوع مطرح شده در این آیات، موضوع یهود به خصوص دانشمندان و راهبان اهل کتاب است که اموال مردم را به باطل می‌خورند (آیات ۲۹ تا ۳۵/توبه) یا در آیه ۲۸، بحث عدم اجازه به مشرکان برای حج خانه خدا و ترسیدن مومنان از فقر احتمالی این تصمیم، به میان آمده و در یک آیه قبل از آیه نسیء، ضمن اشاره و تاکید بر سال قمری و ماههای حرام، به مسلمانان و نه مشرکان و کافرین! هشدار می‌دهد که در مورد این ماهها به خود ستم روا ندارند و با مشرکان مقابله کنند که همه این موارد می‌تواند نشان از اهتمام قرآن برای تشویق مسلمانان جهت انجام حج و به دست گرفتن امور آن طبق زمان واقعی خود باشد. این نظر آن گاه قابل تاملتر می‌شود که طبق منابع تاریخی، فتح مکه در سال هشتم و قبل از نزول سوره توبه بوده (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۲/۱۲۳۴ و ۲۳۹؛ طبری، ۱۸۷۹م، ۳۴۳/۲؛ محسن الامین، ۱۴۰۳ق، ۱/۲۷۳ و ۲۸۲) و پیامبر بعد از نزول این سوره در ذی حجه‌ای که در جای واقعی خود بود، حج وداع را به جای آوردند و به این آیات اشاره کردند (یعقوبی، ۱۳۳۹، ج ۲، ۱۱۰؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۵/۵) بنابراین نسیء در معنای استفاده از تقویم شمسی قمری و کیسه گیری و تاخیر در حج، تقویت می‌شود و منطقی تر به نظر می‌رسد. طبق تحقیق در نظر ارباب لغت نیز مشخص شد؛ اصل، در معنای نسیء همان تاخیر است و نتیجه کیسه‌گیری اعراب نیز در نهایت، تاخیر در زمان به قصد جا به جایی ذیحجه بود

(جوادعلی، ۱۹۷۶ق، ۴۳۹/۸ و ۴۹۰؛ مسعودی، ۱۴۲۵ق، ۱۵۸/۲) افزون بر اینکه این تحلیل، نفی کننده نسیء در معنای جا به جایی و تاخیر ماههای حرام از وقت خود به قصد غارتگری در دوران جاهلیت قبل از اسلام یا دست کم قبل از فتح مکه نیز نیست.

تکفیر نسیء

گفته شد؛ در تقویم شمسی قمری به ناچار برای تثبیت و هماهنگی ماههای قمری با سال شمسی باید کیسه گیری کرد. این عمل در بین قبطیها، یهودیان به ویژه یهودیان اطراف مدینه رایج بود و به تبع، عرب جاهلیت که با آنان مأنوس بودند، این کار را یاد گرفته و انجام می دادند؛ لذا تغییراتی در گردش ماههای قمری اتفاق می افتاد (عصامی، ۱۴۱۹ق، ۱ / ۲۶۵؛ قلقشندی، ۱۳۳۹ق، ۲ / ۴۲۵؛ نلینو، ۱۳۴۹ش، ۱۱۳-۱۱۰) بنا به محاسبه ابوریحان بیرونی، عرب حجاز و مکه، از دویست سال پیش از هجرت، در تقویمشان این کار را اعمال می کرده اند (بیرونی، ۱۳۸۶ش، ۱ / ۱۲۹) و این رسم و عادت را تا سال دهم هجری انجام می دادند (شراب محمد، ۱۳۸۳ش، ۴۱۱). توضیح آنکه، آئین عرب از زمان های پیشین بنا بر سالهای قمری بوده است، نه شمسی و این روش را بطور وراثت از حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ارث برده بودند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۶ / ۴۱-۴۰) و اسلام نیز همان طور که پیشتر ذکر شد، سال قمری را تایید کرد و ملاک قرار داد؛ اما چون سال قمری به مقدار مشخصی از سال شمسی کمتر است، بدین جهت ماههای قمری از فصلی به فصل دیگر منتقل می شوند و بنا بر این حجّ در بعضی از اوقات، در فصل زمستان واقع می شود و در برخی دیگر در تابستان و این امر موجب مشقّت برای حجّ گزاران می شد و از طرف دیگر چون برای حجّ می رفتند، تجارت هم می کردند و چه بسا موسم حجّ، موافق با موقع و فصل تجارت نمی شد و در امر تجارت خلل پدید می آمد، برای حل این دو مشکل، اعراب جاهلی، (بنا بر آنچه در علم زیجات معلوم است و در صفحات پیشین برخی محاسبات آن در کیسه گیری تقویم شمسی قمری گذشت)؛ اقدام به عمل کیسه می کردند (جوادعلی، ۱۹۷۶ق، ۸ / ۵۱۰-۵۰۹؛ قرچانلو، ۱۳۸۰ش، ۱ / ۴۳؛ شیرازی، ۱۳۸۸ش، ۴ / ۲۰)؛ به این ترتیب که چون سال شمسی از سال قمری بیشتر است و این تفاوت، در هر سال به ده روز و بیست ساعت می رسد (نلینو، ۱۳۴۹ش، ۱۱۳)، این مقادیر زیادی را به روی هم می انباشتند و چون مقدارش یک ماه می شد، آن ماه را به آخر سال اضافه می کردند و

۱ اسامی سالهای صدر اسلام بر اساس هجری قمری: اول سنّه الأذن، دوم سنّه الأمر، سیّم سنّه التمحیص، چهارم سنّه الترفیّه، پنجم سنّه الزلزال، ششم سنّه الاستیناس، و هفتم سنّه الإستغلاب، هشتم سنّه الأستواء، نهم سنّه البرائّه و سال دهم سنّه الوداع. (گنابادی، ۱۴/۱۲۷۶)

آن سال را سیزده ماه می‌گرفتند که تولیت این کار را «نسه» از قبیلهٔ کنانه به عهده داشتند (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۱۸۹) و اینگونه، حج خود را بر اساس ماههای شمسی و سال شمسی قرار می‌دادند که در زمان مشخصی از فصول صورت می‌گرفت که هم طبق مصلحت آنان از جهت سرما و گرما بود و هم طبق مصلحت آنان از جهت منافی که از تجارت می‌بردند و به سبب این کیسه‌گیری دو چیز حاصل می‌شد: زیادی در مقدار ماهها و تأخیر حرمت ماههای حرام به ماههای دیگر (بیرونی، ۳۶۲ش، ۲۲۳ و ۲۲۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۱۶/ ۴۵؛ بومعشر بلخی به نقل از نلینو، ۱۳۴۹ش، ۱۱۱). اما علت زیاده در کفر خواندن این مساله توسط قرآن از چند جهت قابل تحلیل و تبیین بیشتر است: یکی اینکه ایجاد این تأخیر در ماههای قمری، اگرچه اهداف مادی اعراب را تامین می‌کرد اما دگرگونی حکم خدا را در پی داشت، چرا که خداوند وقت حج را در ماههای محدود و مشخصی تعیین کرده و حکم اُزلی و قطعی خدا این بوده است که سال، دوازده ماه باشد، نه کمتر و نه زیادتر، حال که بواسطه این نسیء و عقب اندازی، حج در سایر ماههای قمری واقع می‌شد، مسلماً حکم خدا و تکلیف خدا را تغییر داده بودند و ضمن آن معتقد شده بودند که این عمل خلاف، همان عمل واجب است و بجا آوردن آن در ماههای قمریه واجب نیست، پس این عمل، إنکار حکم خدا با علم به آن و تمرد از اطاعت او می‌شده است و به اجماع مسلمانان إنکار حکم خدا و تمرد از آن با وجود علم، موجب کفر است. بدین قرار، کافر هر زمان معصیتی انجام دهد، کفرش فزونی می‌یابد مانند قول خداوند درباره افزایش ایمان مومن در همین سوره: فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَرَّادَتْهُمْ إِيمَانًا... (توبه/ ۱۲۴) (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲/ ۲۷۰) جنبه دیگر کفرآمیز بودن این کار، بدعت بودن «نسیء» از بعد محور قراردادن اهداف سودجویانه مادی و خلط مسائل عبادی با منافع تجاری و بازرگانی در اسلام است؛ آنچه قریش به عنوان حج انجام می‌دادند، عملی کفرگونه و شرک‌آلود بود که در آن بازی با معتقدات مردم و اصل قرار دادن منافع مادی در یک عمل عبادی و بالاخره تابع هوا و هوس قرار دادن آنچه به عنوان عبادت انجام می‌گیرد، نمایان بود که خود کفری افزون، گمراهی دوچندان و دور نگهداشتن حقایق از مردم گمراه محسوب می‌شد. امتیازطلبی، روح تبعیض و انحصارطلبی قریش به عنوان والیان حرم، وسیله قرار دادن حج برای تأمین منافع و مقاصد گروهی همگی منتج به بی‌محتوا کردن این مراسم عبادی - سیاسی و سپس سود بردن از قالب تهی شدهٔ آن داشت (عمید زنجانی، ۱۳۷۵ش، ۹۱-۹۰)؛ به عبارتی، نسیء با نزول این آیه کفر محسوب گردید تا مراسم حج، بازیچه‌ای در دست سودجویان واقع نگردد؛ درستی آنچه گفته آمد با تامل در زوایای معنایی دیگر واژه نسیء که برخی ارباب لغت به معنی کنار زدن، اهمال و بی‌اعتنایی ذکر کرده‌اند؛ تقویت نیز می‌شود (فراهیدی، ۱۳۶۸ش، ۳۰۶/۷ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۵۰) و در نهایت می‌توان گفت؛ نسیء، از

آنجا که به نحوی بدعت یهودی به جا مانده از جاهلیت در عصر نزول نیز بود؛ به گونه‌ای که حتی برخی مستشرقین واژه های النسیء و الناسیء را الفاظ معرب از زبان عبرانی می‌دانند (جوادعلی، ۱۹۷۶م، ۸/ ۵۰۴) مورد نهی و حذف از سوی اسلام واقع شد. سرانجام نیز پیامبر (ص) در حجی که بعد از سالها کیسه‌گیری اعراب، منطبق بر ذی حجه قمری و در جای خود بود؛ خطبه‌ای معروف ایراد کرد و به این موضوع و آیات مربوط در سوره توبه اشاره فرمود و نسیء را نهی و مردود اعلام کرد (یعقوبی، ۱۳۳۹، ج ۲، ۱۱۰/ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۳۸۱) تا تنبیهی برای آیندگان نیز باشد و بدانند که بدعت‌های خودساخته یا تقلیدی بدون پشتوانه و تایید دین و بهره‌برداری‌های اینچنینی از عناصر دینی و معنوی اسلام، خط قرمز همه مسلمانان عالم باید باشد.

نتیجه

از مباحث مطرح شده، با دقت در تقویم و گاه‌شماری، و بررسی تفاسیر و تاریخ، نتایج ذیل بدست می‌آید:

۱ - هر چند قرآن، کتاب نجوم و تقویم‌نگاری نیست؛ بلکه کتاب انسان‌ساز و هدایت‌گر بشر است اما بحث علمی، از باب استطراد و جهت تنبیه و تفکر است. اگرچه در مورد تقویم مصطلح آیه‌ای در قرآن نیامده است ولی چندین آیه از قرآن اشاره دارد که از ماه و خورشید می‌توان جهت محاسبه و اندازه‌گیری زمان بهره برد و حتی به تطبیق دو تقویم شمسی و قمری اشاره می‌کند.

۲ - علی‌رغم اختلاف مفسرین در معنای نسیء و تکرار عموماً دو قول متفاوت پیرامون آن، هیچ کدام به شرح و تبیین مبسوط درباره کیفیت نسیء نپرداخته‌اند.

۳ - با توجه به آیه ۳۶ سوره توبه، سال دوازده ماهه، مورد تأیید قرآن است و بر اساس آیات دیگر، این سال می‌تواند شمسی یا قمری باشد. بنابراین آنچه مورد نهی و مذمت آیه ۳۷ این سوره قرار گرفته، تقویم شمسی قمری و کیسه‌گیری آن است که عرب هنگامه نزول آیه نسیء، همچنان به سنت گذشته جاهلی و به تاسی از یهودیان برای سهولت محاسبه و بهره‌های مادی از آن استفاده می‌کرد و قرآن آن را زیادتی در کفر نامید.

۴- کیسه‌گیری و تأخیر انداختن سال به یک ماه اضافه، به طور دقیق و علمی توسط اعراب صورت نمی‌گرفت و به طور تقریبی، دوازده ماه قمری را کیسه می‌نمودند. این سنت، علاوه بر اینکه با اصل قرارداد منافع مادی سبب تضعیف اعتقادات و موجب به هم ریختگی و جا به جایی ماههای حرام و عمل عبادی حج به لحاظ زمان و محتوا می‌شد؛ از آنجا که به نحوی بدعت یهودی به جا مانده از جاهلیت در عصر نزول نیز بود، از سوی قرآن ابطال شد.

کیفیت محاسبه کیسه‌گیری تقویم شمسی قمری در عصر جاهلیت به طور دقیق محاسبه نمی‌شد؛ بلکه به صورت تقریبی شبیه جدول فوق بود؛ یعنی برای تطبیق سال شمسی با ماه قمری؛ تقریباً هر سه سال و گاهی هر دو سال، ماه سیزدهمی به سال دوازده ماهه اضافه می‌کردند که منجر به جا به جا شدن ماهها از جمله ماههای حرام و ذی حجه و عمل عبادی حج می‌شد و این جا به جایی در یک دوره سی و سه ساله آنگونه که در جدول پیداست ادامه داشت تا دوباره در سال سی و چهارم، ذی حجه دو یا سه سال به جای خودش برمی‌گشت؛ توضیح مبسوط ذیل عنوان کیسه‌گیری تقویم شمسی قمری در متن مقاله آمده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
۳. ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۰۳ق)، *جمهره انساب العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهره اللغه*، بیروت، دارالعلم، چ ۱.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا)، *التحریر والتنویر*، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چ ۳.
۷. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۶۳ش)، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: نشر امیر کبیر، چ ۳.
۸. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۶۲ش)، *التفهیم فی اوائل صناعه التنجیم*، با تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران: انتشارات بابک، چاپ هروی، چ ۲.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۶ق)، *تفسیر البیضاوی (انوار التنزیل و اسرار التاویل)*، بیروت: دارالفکر.
۱۰. جعفری‌مذهب، محسن و همکاران (۱۳۹۱ش)، *تاریخ‌شناسی*، تهران: انتشارات مدرسه، چ ۱۲.
۱۱. جوادعلی (۱۹۷۶م)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دارالعلم للملایین، چ ۱.
۱۲. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۴۱۶ق)، *دروس معرفه الوقف و القبله*، قم: نشر جامعه مدرسین.
۱۳. حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۶ق)، *رساله نوین درباره بناء اسلام بر سال و ماه قمری*، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی، چ ۳.

۱۴. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، محقق: محمد باقر بهبودی، لطفی: تهران، چ ۱.
۱۵. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، *معارج الاصول*، قم: موسسه آل البيت.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران، دوم از دوره جدید.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۳۰ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت - لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، دمشق: دارالفکر، چ ۲.
۱۹. زمانی قمشهای، علی (۱۳۸۷ش)، *هیئت و نجوم اسلامی: اخترشناسان و نوآوران مسلمان*، چاپ اول، قم: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع).
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۳.
۲۱. سائیس، محمد علی (۱۴۲۳ق)، *تفسیر آیات الاحکام*، محقق: ناجی ابراهیم سویدان، بیروت: المکتبه العصریه، چ ۱.
۲۲. سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، قاهره: دارالشروق.
۲۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۳۲ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت: دارالفکر.
۲۴. سیوطی، جلال الدین (۱۲۹۴ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق: محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب، چ ۴.
۲۵. شراب محمد، محمد حسین (۱۳۸۳ش)، *فرهنگ اعلام جغرافیایی - تاریخی در حدیث و سیره نبوی*، مترجم: حمیدرضا شیخی، تهران: مشعر.
۲۶. شیرازی، عبدالله بن فضل الله (۱۳۸۸ش)، *تاریخ وصاف الحضرة*، تصحیح: علیرضا حاجیان نژاد، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. صیاد، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «مدل سازی ریاضی برای استخراج تقویم هجری قمری *فرارادی*»، مجله تاریخ علم، ش اول، ص ۲۷-۳۷. موجود در calendar.ut.ac.ir . ۱۳۹۴.
۲۸. صیاد، محمدرضا (۱۳۷۵ش)، «پیدایش و سیر تحویل تقویم هجری شمسی»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۱۰۹ - ۱۱۸.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، هجدهم.

۳۰. طبری، محمدبن جریر (۱۸۷۹م)، *تاریخ طبری*، بیروت: موسسه الاعلمی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی.
۳۲. طریحی، فخرالدین (بی تا)، *مجمع البحرین*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *التبیان فی التفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. طبیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، چ ۲.
۳۵. عدنان شریف (۱۹۹۳ق)، *من علم الفلک القرآنی*، بیروت: دارالعلم للملایین، چ ۲.
۳۶. عصامی، عبدالملک بن الحسین (۱۴۱۹ق)، *سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل و التوالی*، محقق: عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱.
۳۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵ش)، *در راه برپایی حج ابراهیمی*، تهران: مشعر.
۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۸ش)، *کتاب العین*، محقق: محمد مخزومی، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.
۴۰. قاسملو، فرید (۱۳۸۲ش)، «تقویم»، *دانش نامه جهان اسلام*، ج ۷، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، صص ۸۰۸ - ۸۶۴، اول.
۴۱. قاسملو، فرید (۱۳۸۵ش)، «مقایسه روشها و معادلات مختلف برای اعمال کیسه های گاه- شماری هجری خورشیدی در منابع مختلف»، *مجله تاریخ علم*، شماره پنجم، صص ۹۳ - ۱۴۳.
۴۲. قرچانلو، حسین (۱۳۸۰ش)، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، تهران: سمت.
۴۳. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۶.
۴۴. قلقشندی، احمدبن علی (۱۳۳۹ق)، *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ ۱.
۴۵. گنابادی، مظفر بن محمد قاسم (۱۲۷۶ق)، *شرح بیست باب نام در معرفت تقویم تام (بیرجندی)*، بی جا، بی نا.
۴۶. محسن الامین (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، تحقیق: حسن الامین، بیروت: دارالتعارف.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، تحقیق: سیدابراهیم میانجی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۵ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، بیروت: المكتبه العصریه.

۴۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *مجموعه آثار (خدمات متقابل اسلام و ایران)*، تهران: انتشارات صدرا، دهم، ج ۱۴.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، چاپ سی و دو، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: موسسه النشرالاسلامی.
۵۳. نلینو، کرولوفونسو (۱۳۴۹ش)، *تاریخ نجوم اسلامی*، ترجمه: احمد آرام، تهران: کانون نشر پژوهشهای اسلامی.
۵۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، چ ۱.